



نوع مقاله: پژوهشی

تحلیل معماری و تزئینات آرامگاه پیرحاجات شهرستان طبس

علی اصغر محمودینسب^{۱*}، سیدرسول موسوی حاجی^۲، عابد تقوی^۳^۱ دانشآموخته دکتری باستانشناسی دانشگاه مازندران، aliasqarmahmoodi@yahoo.com^۲ استاد گروه باستانشناسی دانشگاه مازندران، seyyed_rasool@yahoo.com^۳ استادیار گروه باستانشناسی دانشگاه مازندران، abedtaghavi@gmail.com

10.22080/jiar.2021.3222

چکیده

بناهای آرامگاهی، از شاخصترین آثار معماری در کشورهای اسلامی و بالخصوص ایران بهشمار میروند و بعد از مساجد، در زمره متنوعترین و پرتعدادترین فضاهای معماری دوران اسلامی شناخته میشوند. دلیل این امر نیز به نقش آرامگاهها و آمیختگی آن با آداب و رسوم و مذهب ایرانیان مسلمان برمیگردد و همین امر است که توجیهگر تداوم اقبال عامه مردم به آرامگاههای مذهبی در ایران است. در این مقاله معماری و تزئینات آرامگاه پیرحاجات معرفی میشود. این آرامگاه در روستای پیرحاجات از روستاهای بخش مرکزی شهرستان طبس و در دهستانی به همین نام قرار دارد. آرامگاه پیرحاجات مربوط به دوره سلجوقی و جزء بناهای آرامگاهی مذهبی است. در این مقاله ضمن معرفی معماری و تزئینات آرامگاه در مورد شخصیت مدفون در بنا نیز پرداخته شده است. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی و تحلیلی و با رویکرد تاریخی و فرهنگی بوده و جمعآوری یافتههای آن نیز طریق مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی انجام شده است. سوال اصلی تحقیق این است که معماری آرامگاه پیرحاجات تا چه اندازه برگرفته از معماری دوره سلجوقی بوده و چه تزئیناتی در آن به کار رفته است؟ این آرامگاه به سبک فضاهای معماری دوره سلجوقی با پلان مستطیل شکل و با گنبد رفیعی ساخته شده و در عین سادگی بنا، عظمت معماری دوره سلجوقی را در این بنا میتوان دید. تزئینات به کار رفته در بنا محدود و شامل کاشیکاری و گچکاری است.

دریافت:

۱۴۰۳/۰۹/۱۴

بازنگری:

۱۴۰۳/۱۱/۱۸

پذیرش:

۱۴۰۳/۱۲/۲۷

کلیدواژه‌ها:

طبس، آرامگاه پیرحاجات، سلجوقی، گنبدخانه، تزئینات.

^{*} نویسنده مسئول: علی اصغر محمودینسبآدرس: بابلسر، دانشگاه مازندران، دانشکده هنر و معماری، گروه باستانشناسی.
ایمیل: aliasqarmahmoodi@yahoo.com تلفن: ۰۹۱۵۹۶۳۴۱۶۸



۱ مقدمه

با توجه به شواهد معماری و باستانشناسی منتشر شده موجود میتوان چنین بیان کرد که بناهای آرامگاهی در ایران بیشتر از سایر کشورهای اسلامی ساخته شده‌اند؛ زیرا ایرانیان به اولیاء و بزرگان خود بسیار احترام میگذارند و آنها را تقدیس میکردند و برای جاویدان ماندن نام این بزرگان و مردم نیکوکار و خوشنام مقبرههایی ساخته میشد (حاتم، ۱۳۹۰: ۱۰۲). در اوایل اسلام هر چند آرامگاهسازی از نظر اسلام جایز نبود، ولی با این وجود بناهای آرامگاهی غیر مذهبی زیادی ساخته شد که از جمله میتوان به آرامگاه هارون رشید در سناباد اشاره کرد که توسط مأمون این بنا ساخته شد و بعد از شهادت امام رضا (ع)، به دستور مأمون آن حضرت را در همان چهار دیواری گنبددار هارون در محوطه بالا سر وی به خاک سپرد (غروی، ۱۳۷۶: ۹۹). از جمله دیگر مقابر غیر مذهبی قرون اولیه اسلامی میتوان به مقبره امیر اسماعیل سامانی در بخارا حدود سالهای ۳۰۰ ه.ق (Hattstein And Delius, 2004: 115)، بقعه عرب آتا در تیم ۳۳۶ ه.ق (هیلنبراند، ۱۳۸۷: ۱۰۳) و مقبره برجی گنبد قابوس به سال ۳۹۷ ه.ق (کیانی، ۱۳۸۶: ۴۵) اشاره کرد. در زمان حکومت علویان و دیلمیان (قرن چهارم هجری) که حکومتی شیعی مذهبی بودند، آرامگاه های مذهبی و غیرمذهبی زیادی مربوط به اولیاء و بزرگان و اشخاص سیاسی از این دورهها در مناطق شمالی و مرکزی ایران به جا مانده است. در زمان سلجوقیان ساخت مقابر و بناهای آرامگاهی وارد مرحله تازهای میشود و این در حالی است که سلاجقه سنی مذهب بودند و نسبت به مذهب خود تعصب شدید نشان میدادند. اما با وجود این، ایجاد بنا بر روی قبور در این دوره برای شیوخ اهل سنت و بزرگان و حاکمان رشد بیسابقهای داشته است. در دوره حکومت ایلخانان که در ابتدا

به مذهب تسنن گرویدند، شمار آرامگاهها و برجهای مقبره‌های افزایش مییابد. در اواخر این دوره با توجه به اینکه برخی از سلاطین ایلخانی تمایل به مذهب تشیع داشتند، علاوه بر قبور بزرگان، مقابری نیز برای اولیاء و اهل بیت ساخته شد. در طی دوره‌های بعد یعنی زمان تیموریان سنی مذهب و صفویان شیعی و سپس، افشاریه، زندیه و قاجار و حتی تا امروز نیز شاهد ساخت قبه و بارگاه مربوط به بزرگان دینی و اولیاء و اهل بیت و مقابر شخصی هستیم. ارادت و توسل خاصی که مردم این مرز و بوم مخصوصا شیعیان به اهل بیت دارند، مهمترین دلیل برای ساخت و حفظ آرامگاهها مذهبی در طول دوران اسلامی بوده است؛ به طوری که کمتر منطقهای را میتوان یافت که سهمی از این بناها نداشته باشد. جایگاه مقابر مذهبی باعث شده که این بناها در حیات اجتماعی و مذهبی ایران در بافت سنتی شهرها و روستاها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. عوامل متعددی در شکلگیری و توسعه این بناها نقش داشته که نقش مذهب در این موارد به مراتب بیشتر و پُر رنگتر بوده است. معرفی بناهای آرامگاهی و ویژگیها معماری و تزئینی هر دوره را نمایان میکند و خود گامی در جهت شناخت این بناها در مناطق مختلف ایران است. در این تحقیق به معرفی معماری و شخصیت مدفون در آرامگاه پیرحاجات واقع در روستای پیرحاجات شهرستان طبس، استان خراسان جنوبی پرداخته خواهد شد و ضمن معرفی معماری بنای آرامگاه، نقوش و تزئینات و کتیبه‌های موجود بنا مورد مطالعه قرار میگیرد. این آرامگاه با توجه به کتیبه بنا مربوط به دوره سلجوقی^۱ است.

۲ روش تحقیق

در پژوهش حاضر روش تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و گردآوری یافته‌ها براساس پژوهشهای میدانی (شامل بازدید از آرامگاه و تهیه عکس) و مطالعات

پیرحاجات ادامه سبک معماری سلجوقی معرفی شده است.

^۱ - تاریخ ساخت بنا همزمان با حکومت خوارزمشاهیان است و از آنجایی معماری دوره خوارزمشاهیان، ادامه سبک و ویژگیهای معماری دوره سلجوقی است، آرامگاه



۳۷۷۵۱۳۵ و با ارتفاع متوسط ۱۰۵۹ متر از سطح دریا قرار دارد (تصویر ۱). این بنا در شمال غرب روستا و چسبیده به قبرستان روستا در دامنه صخره‌ای آهکی بنا شده است. آرامگاه پیرحاجات با توجه به سبک معماری و کتیبه موجود در بنا مربوط به دوره سلجوقی و مالکیت این بنا با اداره کل اداره اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی است.

روستای پیرحاجات در حاشیه کویر مرکزی ایران و همجوار با یک منطقه کوهستانی شکل گرفته و معماری روستا تحت تأثیر اقلیم این منطقه است. بافت قدیم روستا به فاصله ۲۵۰ متری غرب آرامگاه پیرحاجات قرار دارد که قلعه روستا بروی تپه‌ای مشرف به محیط اطراف ساخته شده و اطراف آن فضاهای مسکونی و مزارع و باغات روستا قرار دارد. علاوه بر قلعه روستا که نشان از قدمت روستای پیرحاجات است، وجود قبرستان گبری مربوط به دوران قرون میانی اسلامی، نقشنگاره مربوط به دوران تاریخ و محوطه پیکندا مربوط به عصر مفرغ خود شواهدی دیگری از اهمیت و قدمت روستا را دارد (محمودینسب، ۱۳۹۷). مکانگزینی مناسب روستا و وجود منابع آب کافی و زمین حاصلخیز از جمله دلایل اصلی شکلگیری و توسعه روستا در طول زمان است.

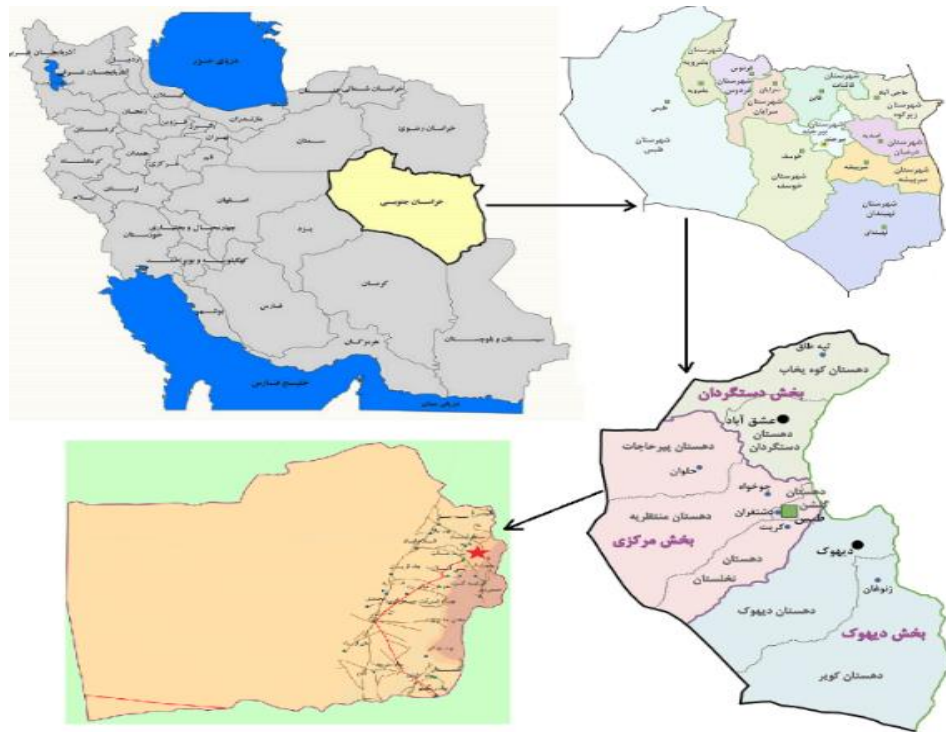
کتابخانه‌های (شامل بررسی کتب تاریخی و معماری و استفاده از کتب و گزارشهای موجود در آرشیو اداره میراث فرهنگی) است.

۳ پیشینه پژوهشی

در رابطه با آرامگاه پیرحاجات در مقالات و کتب مختلف اشاراتی در باب معرفی و معماری بنا ارائه شده است که از جمله آن میتوان به مقاله‌های با عنوان *تاریخچه طبس و نگاهی کوتاه به بناهای باستانی آن* (نادری، ۱۳۵۷)، گزارش ثبتی بنا (دانشدوست، ۱۳۶۶)، کتاب *طبس شهری* که بود - بناهای تاریخی طبس (دانشدوست، ۱۳۷۶) کتاب *جغرافیای تاریخی شهرستان طبس* (امینی، ۱۳۸۵)، کتاب *وارثان عترت - بقاع متبرکه خراسان جنوبی* (شاطری، ۱۳۹۴) و گزارش بررسی باستانشناسی بخش دیهوک و دهستان پیرحاجات شهرستان طبس (محمودینسب، ۱۳۹۷) اشاره کرد.

۴ موقعیت جغرافیایی و قدمت آرامگاه پیرحاجات

آرامگاه پیرحاجات (مزار پیرحاجات) در شهرستان طبس، بخش مرکزی، دهستان پیرحاجات و در روستای پیرحاجات واقع شده (نقشه ۱) و براساس نقطه (UTM) در طول و عرض جغرافیایی ۰۴۵۴۱۴۶/



نقشه ۱: موقعیت آرامگاه پیرحاجات در تقسیمات سیاسی کشور، استان خراسان جنوبی، شهرستان طبس و دهستان پیرحاجات



تصویر ۱: موقعیت آرامگاه پیرحاجات در تصویر ماهواره‌ای (https://Google Earth.Com)



۵ در باب شخصیت مدفون در آرامگاه پیرحاجات براساس متون و منابع تاریخی

راجع به شخصیت دفن شده در آرامگاه پیرحاجات اجماع و نظر واحدی وجود ندارد، اما آنچه مسلم است این که ایشان مسلمانی والا مقام و از پیروان مخلص ائمه اطهار بوده که لیاقت و قابلیت ساختن بارگاهی عظیم توسط دوست داران و مریدان خویش را داشته است. بنابر اظهار نظر افراد محلی صاحب قبر، شیخ احمد ابن اسحاق^۱ ایراوه بوده است که مریدان و دوستداران شیخ از فرط عشق و علاقه‌ای که به او داشته‌اند به «پیرحاجات» یعنی پیری که حاجت‌های مردم را برآورده می‌سازد، تغییر داده‌اند و معتقدند که شیخ احمد ابن اسحاق یکی از نواب امام حسن عسکری است که در دوران امام هادی (ع) و امام جواد (ع) هم میزیسته و در خدمت این دو امام معصوم هم بوده است که به دستور امام حسن عسکری جهت جمع‌آوری وجوهات شرع به مردم خراسان و همچنین زیارت امام رضا (ع) از سامرا عازم مشهد می‌شود که در بین راه در روستای پیرحاجات بیمار شده و به لقاءالله می‌پیوندد، پیکر مطهرش را در همانجا دفن می‌کنند و برایش بارگاهی ساخته می‌شود (برگرفته از دانشنامه طبس، ۱۳۹۱). در اینجا سندی را که مردم منطقه طبس به استناد آن می‌گویند، از کتاب ارزشمند "کمال الدین و تمام النعمه (اسلامیه)" محمد بن علی ابن بابویه، معروف

به شیخ صدوق استخراج کرده‌اند. شیخ صدوق به نقل از سعد ابن عبدالله یکی از کسانی که در آخرین سفر احمد ابن اسحاق همراه او بوده است، مینویسد: «..... سعد گوید: خدا را سپاس گفتیم و بعد از آن تا چند روز به منزل مولایمان می‌رفتیم و آن پسر بچه را نزد او نمی‌دیدم (منظور امام زمان (ع) است) و چون روز خداحافظی فرا رسید با احمد بن اسحاق و دو تن از همشهریان خود بر مولایمان وارد شدیم و احمد بن اسحاق در مقابل امام ایستاد و گفت: ای فرزند رسول خدا! هنگام کوچ فرا رسیده و محنت شدت گرفته است، از خدای تعالی مسألت می‌کنیم که بر جدّت محمد مصطفی و پدرت علی مرتضی و مادرت سیده النساء و بر عمو و پدرت آن دو سرور جوانان اهل بهشت و پدران که ائمه طاهرین هستند درود بفرستد و همچنین بر شما و فرزند شما درود بفرستد و امیدواریم که خدای تعالی شما را برتری دهد و دشمنان را سرکوب کند و این ملاقات را آخرین دیدار ما قرار ندهد. گوید: چون این کلمات را ادا کرد مولای ما گریست به غایتی که اشک از دیدگانش جاری شد، سپس فرمود: ای پسر اسحاق! خود را در دعا به تکلف مینداز و افراط مکن که تو در همین سفر به ملاقات خدا خواهی رفت، احمد بیهوش بر زمین افتاد و چون به هوش آمد گفت: شما را به خدا و حرمت جدّتان سوگند می‌دهم که خرقه‌ای به من عطا فرمائید تا آن را کفن خود سازم، مولای ما دست به زیر بساط کرد و سیزده درهم بیرون آورد و فرمود: آن را بگیر و جز آن را

روزگار مسجدی در شهر قم برای شیعیان وجود نداشت. پس احمد بن اسحاق برای امام عسکری (ع) نوشت و اجازه خواست تا با این اموال مسجدی برای شیعه بنا کند. احمد بن اسحاق نقل می‌کند که بر امام حسن عسکری (ع) وارد شدم و می‌خواستم تا درباره جانشینان بپرسم. پس ایشان قبل از پرسیدن من، فرمود: «ای احمد بن اسحاق، به‌درستی که خداوند تبارک و تعالی از زمانی که آدم (ع) را خلق کرد تا روز قیامت زمینش را از حجتی بر مردم خالی نگذاشته است و فرزند خردسالش را نشان داد (قزوینی، ۱۳۹۲: ۶۰؛ خدامیان آرانی، ۱۳۹۱: ۶۵، تهرانی نجفی، ۱۳۹۳: ۱۶۱).

^{۱-} ابوعلی احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالک الاحوص اشعری قمی محدثی جلیل‌القدر، از دانشمندان سده سوم هجری و از بزرگان قم است. خاندان و خویشان احمد از اصحاب ائمه و محدثان کبار شیعه محسوبند. وی را از اصحاب امام جواد و امام هادی و امام عسکری (ع) به‌شمار آورده است و خدمت امام زمان (ع) نیز تشرّف حاصل کرده است. او بزرگ قمی‌ها و واسطه ایشان و از وکیلان و سفیران بوده است. در شهر قم مسجدی است که به مسجد امام حسن عسکری (ع) شناخته می‌شود و میان مردم مشهور است که: مقداری از اموال مربوط به امام عسکری (ع) نزد احمد بن اسحاق مانده بود و در آن



هزینه مکن که آنچه را خواستی از دست نخواهی داد و خدای تعالی اجر نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد. سعد گوید: در بازگشت از محضر مولایمان سه فرسخ مانده به شهر حلوان احمد بن اسحاق تب کرد و بیماری سختی بر وی عارض شد که از ادامه حیات ناامید گردید و چون به حلوان وارد شدیم و در یکی از کاروانسراهای آن فرود آمدیم احمد بن اسحاق یکی از همشهریان خود را که در آنجا ساکن بود، فراخواند، سپس گفت: امشب از نزدم بیرون بروید و مرا تنها بگذارید، ما از نزد او بیرون آمدیم و هر يك به خوابگاه خود رفتیم. سعد گوید: نزدیک صبح دستی مرا تکان داد، چشم باز کردم و به ناگاه دیدم کافور خدمتکار ابو محمد (ع) است و می گوید: أحسن الله بالخير عزاکم خدا در این مصیبت به شما جزای خیر دهد و مصیبت شما را به نیکی جبران کند ما از غسل و تکفین دوست شما فارغ شدیم، برخیزید و او را دفن کنید که او نزد آقای شما از همه گرمای تر بود، آنگاه از دیدگان ما پنهان شد و ما با گریه و ناله بر بالین او حاضر شدیم و حق او را ادا کردیم (ابن بابویه، ۱۳۸۲/۲: ۲۰۶-۲۰۸). با توجه به این سند اگر این حلوان را همان حلوانی که در حدود سه فرسنگی پیرحاجات است، بدانیم میتوانیم اینطور بگوییم که احمد ابن اسحاق در هنگام برگشتن از مشهد بیمار شد و در پیرحاجات درگذشته است. اینجا باید گفت که روستای حلوان فعلی حدود ۳۰ کیلومتر با روستای

پیرحاجات فاصله و در جنوب غربی این روستا قرار دارد و اگر قرار بر دفن باشد، ایشان را در همین روستا حلوان دفن میکردند و نیازی نبود که پیکر ایشان را ۳۰ کیلومتر دورتر دفن کنند. باید این طور گفت که منظور از حلوان اشاره شده در کتاب شیخ صدوق منطقهای در غرب ایران و در استان کرمانشاه و در نزدیکی شهر سرپل ذهاب واقع شده است. آرامگاه این شخصیت در سرپل ذهاب در جنگ تحمیلی تخریب و بعد از آن بنای جدید بروی آن احداث شد.^۱

صاحب آثار البلاد می نویسد: «ایراوه دهی است در قلۀ کوهی، واقع در ولایت طبس که به دعای شیخ ابونصر ایراوی برای اهل آن ده، آب از سنگ بیرون آمده و الله اعلم» (قزوینی، ۱۳۷۳: ۳۶۳). در معجم البلدان یاقوت حموی که به سال ۶۲۶ هجری نوشته شده شرحی درباره شیخ ابونصر و آرامگاهش دارد که خلاصه آن چنین است: «ایرباد عجمان آن را «ایراوه» تلفظ کنند، دیهی در پانزده فرسنگی طبس بر سر يك کوه و دارای يك دژ استوار است، پیرامنش کشتزار، باغستان، نخلستان، عناب، سیب و میوه های دیگر و آبهای روان و گوارا دارد. شهر به غایت زیبا و خوش و دارای يك خانقاه صوفیانه و يك زیارتگاه با گنبد است که گورپیر و ارسته ابونصر ایرایادی در آن مدفون است که پس از سال پانصد

^۱- حُلوان، شهری تاریخی و رودی در مغرب ایران که امروزه ویرانه آن برجای مانده است. شهر حلوان بر مدخل یکی از گردنه های زاگرس معروف به عقبه حلوان، در ساحل چپ رود حلوان (از ریزابه های رود دیاله) قرار داشت. مکان ویرانه ها دقیقاً مشخص نیست. برخی محققان آن را میان شهرهای کِرنَد و قصرشیرین، در محل شهر سرپل ذهاب در مغرب استان کرمانشاه، یا «قلعه گبری» در جنوب آن، می دانند. محل آن را در دوازده کیلومتری سرپل ذهاب در مسیر بغداد - کرمانشاه دانسته و افزوده حلوان همان شهر کالچ دوره آشوری یا حَلَج سریانی و محل تبعید یهودیان بوده است. در منابع دوره اسلامی، بنای شهر حلوان را به قباد اول ساسانی نسبت داده اند (بادنج، ۱۳۸۸/۱۳: ۶۴۶۹). این شهر در دوره ساسانی تا اواخر عصر ایلخانی یکی از شهرهای مهم ایران بوده است. جغرافیونویسان قدیم این شهر را در اقلیم

چهارم، در آخرین حد جبال و به عنوان دروازه عراق توصیف کرده اند. در دوره ساسانی علاوه بر موقعیت تجاری و کشاورزی ممتاز از مراکز نظامی نیز به شمار می آمد و بنای این شهر را به قباد نسبت داده اند (قنبری و خسروی زاده، ۱۳۸۹: ۱). علاوه بر حلوان کرمانشاه و روستای حلوان قهستان، شهری به نام حلوان در ترکیه و استانی به اسم حلوان در مصر وجود دارد. نام شهر حُلوان در نامه ۵۹ نهج البلاغه نیز آمده است، آنجا که نامه به اُسود بن قطبه فرمانده لشکر شهر حلوان اشاره دارد (علی بن ابی طالب، ۱۴۱۳: ۳۸۷). در کتاب جغرافیا حدود العالم من المشرق الی المغرب آورده شده است. «حلوان شهری است بسیار نعمت و رودی اندر میان وی همی گذرد» (مؤلف ناشناخته، ۱۴۲۳: ۱۶۰).



شواهد خانقاه در روستا دیده نمیشود و به احتمال در گذر زمان تخریب شده است.

شیخ ابونصر محمد بن احمد بن ابی جعفر بن ابی اسحاق هروی که در هرات متولد شده است و معروف به شیخ ابونصر طبسی است. وی در سال ۳۷۶ هجری به دنیا آمده و در سال ۴۵۰ هجری وفات یافته است. شیخ ابونصر جد قاسم بن یوسف ابونصر هروی، مؤلف کتاب ارشادالزارعه است. این کتاب به سال ۹۲۱ هجری تألیف شده است. قاسم بن یوسف در کتاب خود از جد خود شیخ ابونصر الطبسی مشتهر به پیرحاجات نام برده است. همچنین درباره او میگوید: حضرت هدایت پناه ولایت دستگاه سلطان اولیاء فی الافاق و برهان الاتقیاء علی اطلاق، وارث علوم الانبیاء و المرسلین، کاشف رموز الاولیاء و المعتدین، قبله الواصلین، برهان العارفین، منبع العز و السعادت، مرشد الدهر، پیر حاجات. شیخ ابونصر زبده فضلا / شیخ الاسلام، عمده علما قدس الله روح و رزقنا فتوحه که مدفن مبارک آن حضرت در قریه ایراوه به ولایت طبس گیلکی و وطن مألوف آن حضرت و آباء و اجداد ایشان از قریه بایگ زاوه و محولات است فرموده: ای دل به کم و بیش زراعت خو گیر / نی مدح کبیرگوی و نی ذم صغیر / یک قطعه زمین، حاصل آن شلغم و سیر / بهتر که هزار قطعه در مدح وزیر / خواهی که ز دهقنت نیایی آزار / پیوسته به دلخواه تو باشد همه کار / و آنگاه تو را غله بود در انبار / در سنبه آب ده به میزان میکار (امینی، ۱۳۸۵: ۲۵۴).

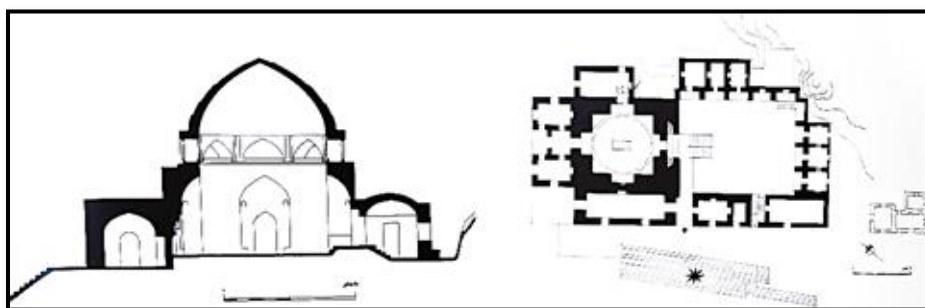
۵/۱ معماری آرامگاه پیرحاجات

آرامگاه پیرحاجات در راستای شمال شرقی - جنوب غربی و با ابعاد ۱۷ × ۱۷ متر (مساحت ۲۸۹ متر مربع) با پلان مربع (پلان داخلی چلیپایی) ساخته شده است (تصویر ۲). ورودی بنا به صورت ایوانی رفیعی به ارتفاع ۱۲ متر با طاق جناغی که در ضلع شرقی بنا قرار دارد. این ایوان قبل از مرمت پایینتر از سطح حیاط بوده که ورود به بنا از طریق پلکانی بوده است که طی چند دهه اخیر با مرمتی که در بنا صورت گرفته، ایوان همسطح با حیاط شده است

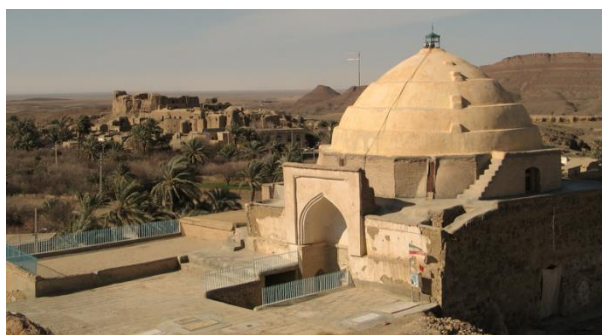
درگذشت و مردم آن سامان برایش کراماتها یاد کنند، چنانکه گویند: مردم دیه از وی در یک خشکسالی خواستار باران شدند. او به سجده شده دعا کرد، پس چشمه‌ای از آب گوارا در میان سنگ سخت جوشیدن گرفت، شیخ دست بر آن نهاده گفت: آرام باش و آب آرام شد. این را حافظ ابو عبدالله محمد بن نجار بغدادی برایم گفت که خود دیده و از آن آب نوشیده بود و گفت: من گور این پیر را بارها زیارت کردم و در آنجا نفسی جانانه یافتم که مرا آرامش بخشود، دل مرا پر از روشنائی کرد. او می‌گفت محمد پسر مؤید دبوسی در دیه ایریاذ، از گفته عیسا پسر محفوظ طرفی» (حموی، ۱۳۸۰: ۱؛ ۳۷۰؛ ابن عبدالحق بغدادی، ۱۴۱۲: ۱؛ ۱۳۶). در کتاب جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو طبس را کنار بیایان و میان نیشابور، کرمان، اصفهان و فارس معرفی کرده که دارای مزارع زیادی است و مزار پیر ابونصر که علم او بگرداند و مردم نذر او قبول کنند، در آن موضع است و قرای طبس را نام میبرد (خوافی، ۱۳۷۰: ۳۰). در طرایق الحقایق معصومعلی شاه نیز توصیفی از مزار پیر دارد؛ او می‌نویسد: «ایراوه نام قصبه‌ای است به قرب طبس بر قله کوه آب گوارا و بساتین و اشجار بسیار دارد و شیخ ابونصر ایراوی نسبتش به آنجاست. در ایراه چشمه آبی است، گویند که از دعای شیخ است و مزار شیخ نزدیک آن است. مردم محل عقیده دارند که اینجا مزار شیخ احمد بن اسحاق است» (دانشدوست، ۱۳۷۶: ۲۸۶). همان طور که از منابع قرون میانی مشخص است نشان میدهد که از شخصی به نام شیخ ابونصر ایراوه یاد میکنند و تاریخ فوت شخصیت مدفون در بنا را بعد از سال ۵۰۰ یعنی در قرن ششم هجری ذکر میکنند. در حالی که شخصیت احمد بن اسحاق در قرن سوم هجری (حدود ۲۶۰ تا ۲۶۳ ه.ق) فوت شده‌اند. نکته قابل ذکر در منابع مکتوب قرون میانی این است که در روستای پیرحاجات علاوه بر آرامگاه، به خانقاهی اشاره دارند و احتمالاً شخصیت مدفون در آرامگاه رهبر یک طریقت مذهبی در این منطقه بوده که بعد از دفن بروی قبر وی آرامگاهی میسازند. امروزه

جهت اصلی گنبد (پاکار بنا)، چهار پنجره با قوس جناغی برای نور و روشنایی تعبیه شده و وزن گنبد با مهارت تمام از طریق طاقهای جناغی به جررها و دیوار منتقل شده است (تصویر ۷). گنبد بنا به ارتفاع ۱۷ متر از خارج حالت پلکانی دارد و این بدان معنی است که به هنگام پوشش بهتدریج که کار بالا میرفته از ضخامت پوشش گنبد کاسته‌اند. پوشش بیرونی گنبد طی دوره معاصر اندود سیمان کرده‌اند و با رنگ آبی، رنگآمیزی کرده‌اند. برای پوشش گنبد بنا از آجرهایی به ابعاد $۲۵ \times ۲۵ \times ۴$ سانتیمتر همراه با ملات خاک و گچ استفاده شده است.

(تصویر ۳، ۴ و ۵). در داخل ایوان ورودی پلکانی ال شکل تعبیه شده که به پشت بام منتهی میشود. بعد از ایوان ورودی وارد ساختمان اصلی بنا میشویم که در مرکز بنا ضریحی فلزی قرار دارد (تصویر ۶). بنای اصلی زیارتگاه از فضای چهار وجهی که هر ضلع آن ده متر است، بهصورت چلیپایی تشکیل شده که در هر وجه، ایوانی بزرگ با طاق جناغی قرار دارد که این طاقها بدون گوشهسازی دو به دو یکدیگر را قطع میکنند و در محل تقاطع یک هشت ضلعی را به وجود می‌آورند. بدین ترتیب گنبد روی این هشت ضلعی که بر قوسها مستقر است بنا شده و وزن آن را روی هشت تکیهگاه دیوار تقسیم می‌گردد. در چهار



تصویر ۲: پلان و برش آرامگاه پیرحاجات (دانشدوست، ۱۳۷۶: ۳۴۶-۳۴۳)



تصویر ۳: نمای شمال شرقی و ایوان ورودی آرامگاه پیرحاجات قبل از مرمت و نمای کلی از قلعه پیرحاجات (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی)



تصویر ۴: ایوان ورودی آرامگاه پیرحاجات بعد از مرمت - دید از شرق (نگارنده، ۱۳۹۷) تصویر ۵: آرامگاه پیرحاجات - دید از جنوب (نگارنده، ۱۳۹۷)



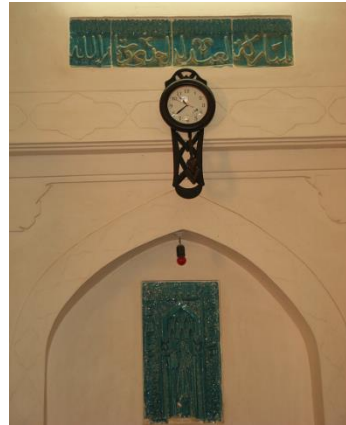
تصویر ۶: ضریح و فضای داخل آرامگاه پیرحاجات (نگارنده، ۱۳۹۷) تصویر ۷: تزئینات و گوشه سازی فضای زیر گنبد آرامگاه پیرحاجات (همان)

انجام شده است، میتوان به سیمان کردن پشت بام و همینطور ازاره فضای گنبدخانه با سنگ مرمر تا ارتفاع ۱/۵ متر اشاره کرد. در داخل ایوان ورودی (شرق) سنگ قبری پنج ضلعی بر روی بدنه دیوار با این مضمون قرار دارد: «هو الحی الذی لا یموت/ هذا مرقد مرحوم جنت مکان خلد ایشان اشرف الحاج حاجی آقا محمد ولد مرحوم محمد زمان حلوانی بیست و پنجم شهر ذی الحجه در مکه معذمه وفات یافت فی سنه ۱۲۷۴»^۱. اطراف این سنگ قبر که آبی رنگ است با نقوش گیاهی تزئین شده است (تصویر ۹).

زمان احداث آرامگاه به استناد قطعات کاشیهای فیروزهای که در بالای محراب^۱ نصب میباشد، تاریخ ۶۰۱ هجری را نشان میدهد (وکیلزاده، ۱۳۹۵: ۱۳۷) که زمان اتمام بنای آرامگاه میباشد. کاشی دیگری که دارای ابعاد بزرگتری است در داخل محراب قرار دارد. این کاشی با تکنیک یکرنگ و با ابعاد ۶۸ × ۳۸ سانتیمتر است (تصویر ۸) و با نقوش خطی و گیاهی تزئین شده است. کاشی یکرنگ همانگونه که از نام کاشی بر میآید تنها یک رنگ روی سطح کاشی مینشیند، مانند رنگ فیروزهای یا لاجوردی (مکینژاد، ۱۳۸۸: ۱۲۳). از جمله دخل و تصرفاتی که بروی بنا

بناهای مذهبی تبدیل شده است، هر چند که یک امر ضروری نیست (Burckhardt, 2009: 90).

۱- ۴- محراب یا طاقچه نماز، بیتزئید آفرینشی از هنر مقدس است و در عمل به یک عنصر عادی در معماری



تصویر ۸: محراب و کاشیکاری بالای محراب آرامگاه پیرحاجات (آرشیو اداره کل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی) تصویر ۹: سنگ قبر در ایوان ورودی آرامگاه به تاریخ ۱۲۷۴ ه.ق (همان)

این بنا در طول تاریخی نذوراتی داشته است که از جمله آن میتوان به وجود چند قندیل و شعمدان اهدایی اشاره کرد که بعضی این وسایل دارای تاریخ نیز میباشد از جمله قندیلی به تاریخ ۱۰۸۶ ه.ق که روی آن نوشته شده است «حضرت بلقیس مکاسی همایون پیکر خانم به جهت تندرستی عالیحضرت سیادت نقابت پناه فرزندی میرزا شاه خلیل الله وقف مزار فیض الانوار پیر حاجات علیه افضل الصلوات نمود الا طمع کننده به لعنت خدا گرفتار باشد. سنه ۱۰۸۶». (تصویر ۱۰) و یا شمعدانی مسی در تاریخ ۱۱۳۱ هجری قمری وقف بر زیارتگاه پیر حاجات شده و نوشتارهایی به صورت کندهکاری بر کف سینی و پایه آن دیده میشود که چنین است: «وقف مؤید و حبس مخلص شرعی نمودند عالیجاه معلی جایگاه نخبه الخوانین العظام آقای محمد امیرخان طبسی خلف مرحمتشان رضوان مکان امیرعلیقلی خان».

ایوان ضلع شمال شرقی آرامگاه از طریق پلکانی به مسجدی جدید که در دوره معاصر ساخته شده، منتهی میگردد. ابعاد این مسجد $۱۵/۵ \times ۱۶/۵$ متر است. قبل و بعد از انقلاب اسلامی بناهای زیادی در اطراف مجموعه بهویژه در اضلاع، شمالی، جنوبی و غربی آرامگاه ساخته شده است و بسیاری از بناها که در ضلع شرقی بنا بهعنوان زیارتگاه در قبل انقلاب استفاده میشد، در زلزله سال ۱۳۵۷ خورشیدی تخریب و بناهای مجاور با استفاده از آجر و ملات سیمان با استحکام بیشتر ساخته شدند. قبل از زلزله سال ۱۳۵۷ این بنا دارای حیاطی بوده است که در ضلع شمال، جنوب و شرق این حیاط ایوانچه و ایوانهایی قرار داشته که به اطاق و تالارهایی منتهی میشده است که به جزء بنا بقیه فضای معماری به کلی تخریب گشته است. این زیارتگاه در محوطهای به مساحت چهل هزار متر مربع ایجاد شده و حرم آن ۲۸۹ متر مربع را در بر میگیرد. حدود ۱۵۰ متر مربع نمازخانه دارد. ساختمان آرامگاه شامل حیاط با ایوانچههای اطرافش و همچنین اتاقها و انبارهایی در مجاورت آن میشود.



تصویر ۱۰: بدنه قندیل مربوط به آرامگاه پیرحاجات به تاریخ ۱۰۸۶ ه.ق (نگارنده، ۱۳۹۷)

۶ تحلیل معماری و تزئینات آرامگاه پیرحاجات

معماری ایران در دوره سلجوقی از قرن پنجم شروع و تا اوایل قرن هفتم ادامه یافت. معماری این دوره از نظر کیفیت و سبک هنری جایگاه ویژه‌ای دارد و به‌عنوان دوره اوج معماری ایران در نظر گرفته می‌شود و هنر معماری رونق گرفت و معماران و هنرمندان آثار ارزشمند و بسیار بی نظیری را خلق می‌کنند. در این دوره شاهد دو سبک معماری هستیم که در اکثر بناهای این دوره از جمله مسجد، آرامگاه‌ها، کاروانسرا، مدارس و... رواج پیدا می‌کند. نخست بناهای چهار ایوانی و دوم تالار بزرگ مربع گنبددار با چهار ورودی و ایوان. معماران این دوره با استفاده از عناصر معماری گذشته (معماری ساسانی) مانند (گنبد، ایوان و حیاط) و ساختمان‌هایی با سبک طاق دار که از هندسه دقیق برخوردار است به معماری ایرانی این دوره، ماهیت و کیفیت دقیقی

داده‌اند (Panahi, 2012: 814). از جمله ویژگی‌های اساسی در معماری دوره سلجوقی سادگی نمای بیرونی گنبدخانه و با تأکید صریح بر محدوده انتقالی از مکعب پایه به نیمکره گنبد است (Hillenbrand, 1999: 105). استفاده سلجوقیان از سکنج ساختاری و تبدیل غایی مربع به دایره به وسیله هندسه اوج راهحلی کاملاً آگاهانه را نشان می‌دهد (اردلان و بختیار، ۱۳۹۰: ۵۹). معماران این دوره از مصالح و روش‌های مختلفی برای تزئین این بناها استفاده کرده‌اند که از جمله آن میتوان به آجر، کاشی، گچ و... اشاره کرد. با این وجود در این دوره ماده اصلی ساخت و ساز و تزئین آجر بود و آجر به‌عنوان ماده اصلی ساختمانی چگونگی شکل انواع گوناگون طاقبندی و سقف‌های گنبدی را نیز تعیین میکرد (هاتشتاین و دیلیس، ۱۳۸۹: ۳۵۴). در این دوره کاشی با رنگ فیروزه‌ای در بناها به کار میرفت. به کار بردن کاشی در اوایل امر استعمالش منحصر به بناهای بزرگ و نشان دادن جاهای به خصوص از بنا یا



نمایانتر و خواناتر کردن کتیبه‌ها بود (حاتم، ۱۳۷۹: ۲۴۸).

آرامگاه پیرحاجات در عین سادگی از عظمت و شکوه خاصی برخوردار است. بدون شک با مطالعه در معماری دوره سلجوقی میتوان دریافت که تزئینات متعلق به آن مهمترین نقش را ایفا کرده است. نمای بیرونی این آرامگاه ساده و ایوان ورودی به آرامگاه در طی دوره معاصر با آجرکاری به صورت نقوش هندسی و گلانداز تزئین است. از دیگر ویژگیهای معماری سلجوقی آرامگاه پیرحاجات، گچبری محدود در پاکار گنبد (یک ردیف رف تزئینی دور تا دور بنا به صورت مقرنس قطاری) و کاشی با نقوش خطی و گیاهی است. طاقنمای محراب نیز با گچبریهای به شکل قاب، تزئین شده است.

بالای قوس محراب چهار قطعه کاشی بروی گچ کار شده که با نقوش خطی و گیاهی تزئین شده است و سال ساخت بنا بر روی آن نقش بسته است. کاشی دیگر که دارای ابعاد (ابعاد 68×38 سانتیمتر) بزرگتری است در داخل محراب قرار دارد. قسمت مرکز کاشی، نقش یک محراب به صورت برجسته میباشد، این محراب از دو ستون که قسمت بالایی ستون دو گلدان قرار دارد، ایجاد شده که دارای پوشش با قوس جناغی است. لچکی بالای قاب محراب با نقوش گیاهی تزئین شده است. درون این محراب گلدانی قرار دارد که از درون آن درخت سروی بیرون آمده و شبیه به قندیلی است که از سقف محراب آویزان شده است. قسمت بالای درخت سرو، نقشی شبیه به شعله آتش قرار دارد که در واقع بیان اعتقادات مذهبی و اسطوره‌های را بیان میکند.

در آیین زردتشت اینطور آمده که همانگونه که پیوسته شعلههای آتش رو به بالا میرود، پیروان وی نیز به سوی بالا یعنی به طرف روحانیت و انسانیت و ترقی و تعالی عروج یابند. در افسانه زردتشت نیز اردیبهشت مجمری از آتش که از بهشت آورده در دست دارد و زرتشت پیامبر پس از آنکه به بعثت رسید، مجمری از آتش در دست دارد که در میان شاخ و برگ گیاهان جای گرفته است (عابدوست و کاظمپور، ۱۳۸۸: ۱۲۵). آتش در دوره پیش از اسلام، سوزاندهی شرارت و پلیدی جان بود و عنصر اهورایی مقدس نمایانگر ظهور حقیقت قدیم. پس بیراه نیست در کنار مصداق قوی چون سرو، از آتش نیز سخن به میان آورده شود؛ چرا که جدای همگونی شعله سر برکشیده آتش با سرو که همواره با وزش نسیمی کمر خم میکند، خواست خاموش نخواستن آتشکدهها، باور به نامیرایی سوزش جاودانهی حقیقت نیز هست (امینی، ۱۳۸۵: ۱۱۲). در آیه سی از سوره قصص طور آمده است که «پس هنگامی که به نزد آتش آمد (حضرت موسی ع)، از جانب راست آن درّه، در آن جایگاه مبارک، از میان یک درخت ندا داده شد، که ای موسی! همانا من، الله، پروردگار جهانیان هستم». امام فخر رازی میگوید: «آتش در دل درخت، همانند شعلهی حیات در پیکر انسان است و خداوند آفرینش آتش در درخت را بهعنوان مقدمهای برای آفرینش بزرگ خود بیان کرده است» (اخوت و تقوایی، ۱۳۸۸: ۷۵). قسمت زیر سقف این محراب نیز با مقرنس تزئین شده است. محراب درون یک قاب قرار دارد. دور تا دور محراب و حاشیه پایانی کاشی در سه ضلع (راست، چپ و بالا) آیه چهار تا هفت سوره یس (یاسین)^۱ با خط نسخ به صورت برجسته به نگارش در آمده

رسالت سه تن از پیامبران الهی ادامه مییابد. در بخشی از این سوره، به برخی از آیات عظمت پروردگار در هستی بهعنوان نشانههای توحید اشاره شده و در بخش دیگر، مسائل مربوط به معاد، سؤال و جواب در دادگاه قیامت و ویژگیهای بهشت و دوزخ مطرح شده است. در روایات از سوره یس بهعنوان «قلب قرآن» یاد شده است (قراّتی، ۱۳۸۹: ۷/ ۵۱۷).

^۱ - سوره یس یکی از بافضیلتترین سورههای قرآن میباشد و در ثواب خواندن آن آثار دنیوی و اخروی روایت شده است. این سوره در مکه نازل شده و هشتاد و سه آیه دارد و به نام اولین آیه‌هاش که از حروف مقطعه است، نامگذاری شده است. مطالب این سوره بر محور عقاید است و تعلیم آن به فرزندان و هدیه کردن ثواب قرائت آن به مردگان سفارش شده است. این سوره با گواهی خداوند به رسالت پیامبر اسلام آغاز و با بیان

كُفُّوا أَعْدَ (۴). این سوره در یگانگی خدا (توحید) بیان شده و اسلام را از مسیحیت متمایز میکند (Khoury, 1992: 15). این کاشی شبیه کاشی آرامگاه پیرحاجات است و کتیبه آن در سه ضلع آن قرار دارد و قسمت مرکز آن نقش گلدان و درخت سرو به صورت برجسته کار شده است (تصویر ۱۱ و ۱۲). فقط کاشی آرامگاه پیرحاجات از لحاظ جزئیات نسبت به کاشی دانشگاه هاروارد، دارای جزئیات تزئینی بیشتری است و اینکه در کلیات و تکنیک سفال شبیه به یکدیگر هستند. چهار قطعه کاشی پاکار گنبد قابل مقایسه با نمونه یک کاشی در موزه متروپولیتن است (Carboni & Masuya, 1993: 7). هر دو کاشی از دو قسمت تشکیل شده، قسمت بالایی آن نقوش گیاهی به صورت پیچ در پیچ تزئین یافته و قسمت پایین آن با یک کتیبه به خط نسخ به نگارش در آمده است (تصویر ۱۳ و ۱۴).

است: عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۴) تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ (۵) لِيُنْذِرَ قَوْمًا مَّا أُنْذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ (۶) لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَى أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (۷). ترجمه آیات مذکور چنین است: «بر راهی راست (۴) [و کتابت] از جانب آن عزیز مهربان نازل شده است (۵) تا قومی را که پدرانشان بیم داده نشدند و در غفلت ماندند بیم دهی (۶) آری گفته [خدا] در باره بیشترشان محقق گردیده است در نتیجه آنها نخواهند گروید (۷)»^۵. در حقیقت این آیات و مضامینی دینی به نوعی حضور خداوند را تداعی میبخشند.

کاشی بزرگتر داخل محراب، قابل مقایسه با کاشی با لعاب یکرنگ به تاریخ ۵۲۲ هـ.ق در موزه هنری دانشگاه هاروارد (موزه ساکلی) است. این کاشی با ابعاد (۲۵٫۷۲ × ۳۳٫۹۷ cm) در شکل یک محراب که سوره توحید (اخلاص) بروی آن نگاشته شده است: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ (۱) اللّٰهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ



تصویر ۱۱: کاشی آرامگاه پیرحاجات - داخل محراب (نگارنده، ۱۳۹۷) تصویر ۱۲: کاشی موزه هنری دانشگاه هاروارد - موزه ساکلی (Khoury, 1992: 15)



تصویر ۱۳: کاشی فضای بالای محراب آرامگاه پیرحاجات (نگارنده، ۱۳۹۷) تصویر ۱۴: کاشی موزه متروپولیتن (Carboni & Masuya, 1993: 7)



نمای داخلی این آرامگاه به صورت چلیپایی است که در هر طرف آن ایوانی بلند با طاق جناغی قرار دارد. در آرامگاه پیرحاجات طی سالیان طولانی مرمت‌هایی صورت گرفته و اضافاتی به آن افزوده شده است، به‌طوری که امروزه اطراف این آرامگاه طی دوران معاصر بناهای زیادی ساخته شده است، تا نیاز زائرین را برآورده کند که این امر را میتوان از موقوفات و وسایل اهدایی در این آرامگاه دید. این آرامگاه در ابتدا به صورت منفرد و رو به جهت قبله ساخته شده و در چهار جهت اصلی بنا چهار ورودی داشته است که به دلیل اضافاتی که طی دوران بعد از ساخت بنا، اطراف آن صورت گرفته، بقیه ورودیها مسدود شده است. از لحاظ شیوه گنبدسازی این بنا قابل مقایسه با گنبدخانههای بناهای دوره سلجوقی از جمله گنبد نظام الملک در مسجد جامع اصفهان، مسجد جامع اردستان (کیانی، ۱۳۸۶)، گنبد جبلیه (پوپ، ۱۳۸۷)، بقعه دوازده امام یزد (حاجیقاسمی، ۱۳۸۹) و از لحاظ پلان نیز قابل مقایسه با آرامگاه امامزاده عقیل یاسوکند (محمدی و دیگران، ۱۳۹۱)، گنبد علویان همدان، آرامگاه ازناو همدان (بهرخ، ۱۳۸۹) و... است. از جمله بناهای محلی قابل مقایسه با آرامگاه پیرحاجات مزار جوخواه در نزدیکی شهر طبس و آرامگاه خسروآباد (این آرامگاه در زلزله سال ۱۳۵۷ تخریب شد) میباشد. مصالح به کار رفته در آرامگاه عمدتاً آجر، سنگ و گچ بوده است. در آرامگاه پیرحاجات در ساخت دیوارها و پوشش گنبد از آجر استفاده شده و سنگ نیز در ساخت دیوارها آرامگاه به کار رفته است. گچ هم که برای پوشش نمای داخلی و در امر طاق زنی و گنبد کاربرد داشته است.

نتیجه‌گیری

آرامگاه پیرحاجات هر چند با توجه به کتیبه آن مربوط به دوره خوارزمشاهی است، با این وجود بناهای ساخته شده در این دوره ادامه سبک معماری دوره سلجوقی است و در معماری دوره اسلامی این دوره با همان سبک دوره سلجوقی شناخته میشود. بناهای آرامگاهی ساخته شده در دوره سلجوقی به

صورت برج مقبره است و به صورت محدود آرامگاه با پلان مربع هم ساخته شده است که آرامگاه پیرحاجات با پلان مربع گنبددار است. معماری آرامگاه پیرحاجات در عین سادگی عظمت و شکوه بناهای دوره سلجوقی را دارد و قابل مقایسه با بناهای این دوره است. تزئینات به کار رفته در بنا اندک با این وجود همین تزئینات اندک دارای ویژگی منحصر به فردی است که کمتر در بناهای آرامگاهی دوره سلجوقی این منطقه میتوان دید، هر چند قبل از زلزله ۱۳۵۷ شهرستان طبس بناهای زیادی مربوط به دوره سلجوقی در این منطقه به‌ویژه در شهر طبس منجمه مسجد جامع و مدرسه وجود داشته که در زلزله این سال به کلی تخریب شده است. قرارگیری این آرامگاه در یک مسیر ارتباطی باعث شده که در طول زمان به این بنا توجه شود و به‌ویژه در دوره صفوی با رسمی شدن مذهب تشیع این آرامگاه از نذورات و وقفیاتی برخوردار شود. جادهای که از مسیر اصفهان و یزد به سمت طبس منتهی میشود، در مکانی به نام رباط گور به یکدیگر متصل میشود که از این جاده، شاخهای فرعی به سمت روستای حلوان و پیرحاجات منتهی میشود که با ادامه این مسیر به شهرهای دیگر خراسان از جمله بردسکن، کاشمر و نیشابور میرسد. شواهد این مسیر که در بین اهالی محلی به نام جاده ابریشم معروف است در نزدیکی حلوان و منطقهای به نام سِگرو در نزدیکی پی استان و پیرحاجات مشهود بوده و همچنین روستای قدیم خیرآباد و حلوان که در منابع تاریخی به آن اشاره شده در طول این مسیر مشخص است که امروزه بر اثر بادهای شنی تقریباً مدفون شده است. در رابطه با شخصیت مدفون در بنا همانطور که در بالا گفته شد، اهالی محلی معتقدند که شخصیت مدفون در بنا شیخ احمد ابن اسحاق یکی از نواب امام حسن عسکری است که در دوران امام هادی (ع) و امام جواد (ع) هم میزیسته که به دستور امام حسن عسکری جهت جمعآوری وجوهات شرع به مردم خراسان و همچنین زیارت امام رضا (ع) از سامرا عازم مشهد میشود که در بین راه مریض و در این مکان دفن میشود که با بررسی



به آن اشاره دارند و همین متون ساخت بنا را در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم میدانند که این با دوران زندگی احمد ابن اسحاق وکیل امام حسن عسکری (ع) اختلاف زیادی است.

متون تاریخی مشخص شخص دفن شده در بنا احمد ابن اسحاق نبوده بلکه تشابه اسمی (پیرحاجات) موجب شده است که به اشتباه شخصیت مدفون در بنا را احمد ابن اسحاق بدانند، اینکه شخصیت مدفون در بنا شخصی با کرامات بوده شبهه‌های وجود ندارد؛ چرا که متون تاریخی نیز



منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲). کمال الدین و تمام النعمه (اسلامیه) - جلد ۲. ترجمه منصور پهلوان. تصحیح علیاکبر غفاری. چاپ دوم. قم: انتشارات دارالحديث.
- ابن عبدالحق بغدادی، صفی الدین عبد المومن (۱۴۱۲). مرآة الإطلاع علی أسماء الأئمة و البقاع - جلد ۱. مصحح علی محمد بجاوی. چاپ اول. بیروت: انتشارات دار الجیل.
- اخوت، هانیه، تقوایی، علی اکبر (۱۳۸۸- ب). "درخت صورت مثالی و نماد تطور مفهوم و استفاده درخت در قرآن کریم". کتاب ماه و هنر. شماره ۱۳۳. صص ۷۴ تا ۷۹.
- اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۹۱). حس وحدت - نقش سنت در معماری ایرانی. ترجمه و نداد جلیلی. چاپ دوم. تهران: انتشارات علم معمار.
- امینی، محمدرضا (۱۳۸۵). قالی و نماد. کتاب ماه و هنر. شماره ۹۳ و ۹۴، صص ۱۰۴ تا ۱۱۷.
- امینی، محمود (۱۳۸۵). جغرافیای تاریخی شهرستان طبس. چاپ اول. یزد: انتشارات نیکو روش.
- بادنج، معصومه (۱۳۸۸). واژه حلوان - دانشنامه جهان اسلام- جلد ۱۳. چاپ اول. تهران: انتشارات بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- بهرخ، سمیرا (۱۳۸۹). بررسی تزئینات آرامگاههای دوران سلاجقه و ایلخانی در استان همدان. پایاننامه کارشناسی ارشد هنر اسلامی. دانشگاه تربیت مدرس. منتشر نشده.
- پوپ، آرتور اپهام (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز- جلد ۳. زیر نظر پوپ و اکرم. ویرایش سیروس پرهام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تهرانی نجفی، هادی بن محمدامین (۱۳۹۳). هدیه الزائرین. مصصح سید محمد موسوینژاد. چاپ اول. تهران: انتشارات مشعر.
- حاتم، غلامعلی (۱۳۷۹). معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقیان. چاپ اول. تهران: جهاد دانشگاهی.
- حاجی قاسمی، کامبیز (۱۳۸۹). امامزادهها و مقابر - بخش ۳. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حموی، یاقوت بن عبد الله (۱۳۸۰). معجم البلدان - جلد ۱. ترجمه علی نقی منزوی. چاپ اول. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- خدایان آرائی، مهدی (۱۳۹۱). گمگشته دل. چاپ اول. تهران: انتشارات عطر عترت.
- خوافی، شهاب الدین عبدالله (۱۳۷۰). جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو (قسمت ربع خراسان هرات). تصحیح غلامرضا ورهرام. تهران: انتشارات اطلاعات.
- دانشدوست، یعقوب (۱۳۶۶). گزارش ثبتی آرامگاه پیرحاجات. بیرجند: آرشیو اداره کل سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری خراسان جنوبی.
- دانشدوست، یعقوب (۱۳۷۶). طبس شهری که بود - بناهای تاریخی طبس. چاپ اول. تهران: انتشارات سروش.
- دانشنامه طبس (۱۳۹۱/۰۷/۰۵). مزار شیخ احمد بن اسحاق (پیرحاجات). قابل دسترسی در سایت: <http://www.tabasenc.ir>
- شاطری، مفید (۱۳۹۴). وارثان عترت - بقاع متبرکه خراسان جنوبی. چاپ اول. شرکت چاپ و انتشارات وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه.



مطالعات باستان‌شناسی. دوره ۴. شماره ۱. صص ۲۳۷-۲۲۱.

- محمودی نسب، علی اصغر (۱۳۹۷). گزارش بررسی باستان‌شناسی بخش دیهوک و دهستان پیرحاجات شهرستان طبس. بیرجند: آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان خراسان جنوبی. منتشر نشده.

- مکی‌نژاد، مهدی (۱۳۸۸). تاریخ هنر در دوره اسلامی - تزئینات معماری. چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت.

- مؤلف ناشناخته (۱۴۲۳). حدود العالم من المشرق الى المغرب. مصحح یوسف الهادی. چاپ اول. قاهره: انتشارات دار الثقافیه للنشر.

- نادری، بقراط (۱۳۵۷). "تاریخچه طبس و نگاهی کوتاه به بناهای باستانی آن". مجله هنر و مردم. شماره ۱۸۱. صص ۶۵-۵۸.

- وکیلزاده، داود (۱۳۹۵). تمدن کهن خراسان جنوبی. چاپ اول. بیرجند: انتشارات متخصصان آینده.

- هاتشتاین، مارکوس، دیلیس، پیتر (۱۳۸۹). اسلام: هنر و معماری. مترجمان نسرین طباطبایی و دیگران. چاپ اول. تهران: انتشارات پیکان.

- هیلنبراند، روبرت (۱۳۸۷). هنر و معماری اسلامی. ترجمه اردشیر اشراقی. چاپ دوم. تهران: انتشارات روزنه.

- عابد دوست، حسین، کاظمپور، زیبا (۱۳۸۸). "صورت‌های متنوع درخت زندگی بروی فرش‌های ایرانی." فصلنامه گلجام. شماره ۱۲، صص ۱۲۳ - ۱۳۹.

- علی بن ابی طالب (۱۴۱۳). نهج البلاغه. گردآورنده محمد بن حسین شریف الرضی. مصصح عزیز الله عطاردی قوچانی. تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.

- غروی، مهدی (۱۳۷۶). آرامگاه در گستره فرهنگ ایرانی. چاپ اول. تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- قرائتی، محسن (۱۳۸۹). تفسیر نور - جلد ۷. چاپ چهارم. تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳). آثار البلاد و اخبار العباد. مترجم جهانگیر میرزا. چاپ اول. تهران: انتشارات امیر کبیر.

- قزوینی، محمدکاظم (۱۳۹۲). زندگانی امام حسن عسکری علیه‌السلام از ولادت تا شهادت. چاپ اول. تهران: انتشارات یاس بهشت.

- قنبری، صباح، خسرویزاده، صباح (۱۳۸۹). جغرافیای تاریخی حلوان. مجله پژوهش در تاریخ. دوره ۱. شماره ۱. صص ۱-۱۸.

- کیانی، محمد یوسف (۱۳۸۶). تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی. چاپ نهم. تهران: انتشارات سمت.

- محمدی، مریم؛ نیستانی، جواد؛ هژبری نوبری، علیرضا (۱۳۹۱). "مطالعه و بررسی بنای امامزاده عقیل (یاسوکند بیجار)." مجله



Burckhardt, Titus (2009). *Art of Islam, Language and Meaning*. Indiana-Bloomington: Publishers World Wisdom.

Carboni. Stefano & Masuya. Tomoko (1993). *Persian Tiles*. New York: Published The Metropolitan Museum Of Art.

[Hattstein](#), Markus And Delius, Peter 2004. *Islam: Art and Architecture*, Ullmann.

Hillenbrand. Rober (1999). *Islamic Art And Architecture*. London: Thames and Hudson.

Khoury. Nuha N. N (1992). "The Mihrab Image: Commemorative Themes In Medieval Islamic Architecture". [Muqarnas](#). Num 9. pp 11-28.

Panahi. Ahmad (2012). "Application of geometry in brick decoration of Islamic architecture of Iran In Seljuk period". *Journal of American Science*; 8 (6). pp 814-821.